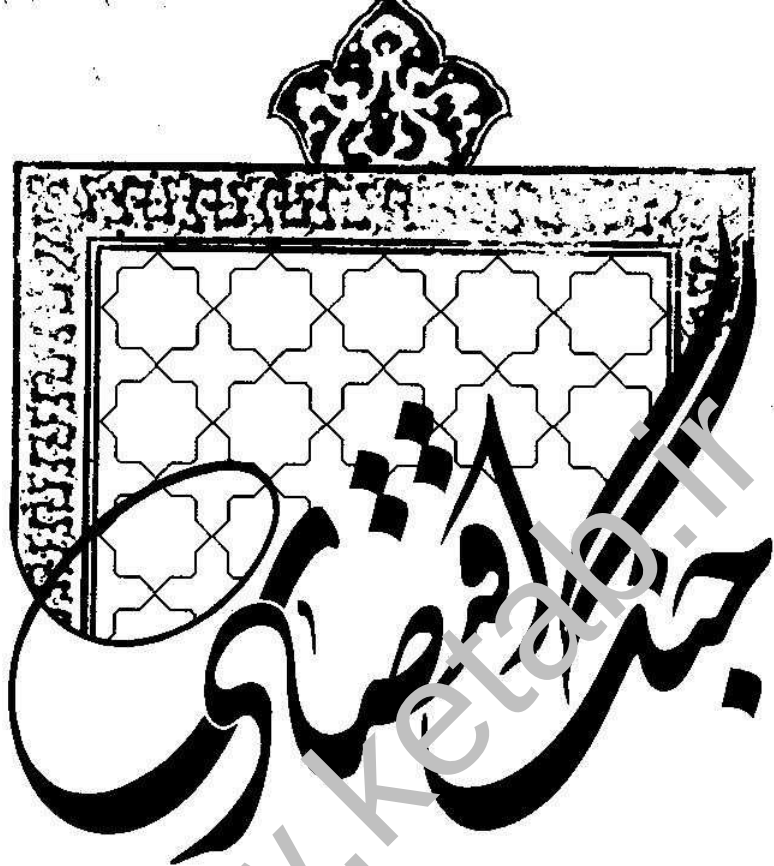




تبیین دینی - تمدنی دشمن‌شناسی اقتصادی

مجتبی حسنی
علی‌رضا تاجه‌بند
با مقدمه دکتر سیدمهدی زریباف

سرشناسه: حسنی، مجتبی، ۱۳۶۵ -

عنوان و نام پدیدآور: جنگ اقتصادی: تبیین دینی- تمدنی دشمن‌شناسی اقتصادی / مجتبی حسنی

علیرضا تاجه‌بند؛ با مقدمه سیدمهدی زرییاف؛ به اهتمام گروه اقتصاد و

مدیریت معاونت علمی مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع).

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، بسیج دانشجویی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص: ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۵۰۰-۳۹-۸

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ج ۹ ح/ HB۱۹۵

رده‌بندی دیویی: ۳۳۰/۹

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۳۳۸۲۰۷

جنگ اقتصادی

تبیین دینی- تمدنی دشمن‌شناسی اقتصادی

پدیدآورگار: مجتبی حسنی - علی‌رضا تاجه‌بند

به اهتمام: گروه اقتصاد و مدیریت معاونت علمی

مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)

ناظر علمی: مهدی قلی‌نژاد

معاون علمی مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)

ناشر: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

ویراستار فنی- نگارشی: مهدی محمدی

صفحه‌آرایی: علی صبوریان قلعه

نوبت چاپ: اول- زمستان ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۵۰۰ تومان

آدرس: تهران خیابان انقلاب- نرسیده به فلسطین جنوبی- پلاک ۱۱۸

واحد ۱/۲- انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

همراه: ۰۹۱۰۹۸۰۵۰۵۵

تلفن: ۶۶۴۸۶۱۲۰

۶۶۴۸۵۸۵۰

sadid.basijisu.ir

rc.basijisu.ir

sadidisu@gmail.com

فهرست

مقدمه ناشر | ۱۱

مقدمه استاد | ۳۱

پیش‌گفتار | ۱۹

فصل اول: در جست‌وجوی حقیقت | ۲۱

مقدمه | ۲۳

مبانی، شاخصه‌ها و اهداف | ۳۱
ریاز، اطل در قرآن و روایات | ۳۱

دشمن کیست؟ | ۳۱

واژه‌شناسی «عدو» | ۳۱

بررسی و تحلیل واژگان هم‌نشین «سو» | ۳۱

بررسی و تحلیل واژگان جانشین «عدو» | ۳۱

بررسی هم‌نشین‌های جانشین‌ها | ۳۳

مصادیق دشمنان | ۳۸

جبهه درونی | ۳۸

جبهه بیرونی | ۳۸

مشخصات دشمنان | ۴۰

اهداف | ۴۰

ویژگی‌ها | ۴۱

نفس | ۴۱

شیطان | ۴۲

شیوه‌ها و روش‌های مبارزه و تسلط دشمنان بر دیگران | ۵۰

جنگ روانی | ۵۰

فریب و خدعه | ۵۱

- شایعه پراکنی| ۵۱
 اختلاف افکنی و تفرقه انگیزی| ۵۲
 ایجاد تردید و حیرانی| ۵۳
 غافل کردن مسلمانان از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود| ۵۳
 ماندگار جلوه دادن دنیا از طریق زینت دادن آن| ۵۴
 ترویج فحشا و منکرات و زینت دادن اعمال نادرست انسان| ۵۵
 محاصره اقتصادی| ۵۷
 مقابله با دشمنان| ۵۸
 اصل مقابله با دشمنان| ۵۸
 اصل حفظ عزت اسلامی| ۵۹
 اصل امنیت استقلال مؤمنین| ۶۱
 راهدهای مقابله با دشمنان| ۶۲
 عدم دودلی، بدوی و پیمان بستن با دشمنان| ۶۷
 حفظ آمادگی و تمام زمینه‌ها| ۶۹
 مقاومت در برابر دشمنان| ۷۱
 تحقیر کردن و ستم کردن بر دشمنان| ۷۲
 جنگیدن و جهاد در برابر دشمنان| ۷۲

❁ مبانی، شاخصه‌ها و اهداف جریان حق در قرآن و روایات| ۷۹

فصل دوم: امتداد جریان حق باطل| ۸۵

❁ مقدمه| ۸۷

❁ تمدن غرب؛ امتداد جریان باطل| ۸۸

تاریخ تمدن غرب| ۸۸

عصر رنسانس| ۹۰

دوران مدرن| ۹۴

تکوین مدرنیته| ۹۵

بسط و شکوفایی مدرنیته| ۹۷

بحران مدرنیته| ۹۹

مبانی، شاخصه‌ها و اهداف تمدن غرب| ۱۰۱

حکمت نظری| ۱۰۲

هستی‌شناسی| ۱۰۲

معرفت شناسی | ۱۰۳

انسان شناسی | ۱۰۹

حکمت عملی | ۱۱۰

سکولاریسم | ۱۱۰

اومانیسم | ۱۱۲

● انقلاب اسلامی ایران امتداد جریان حق | ۱۱۳

● جمع بندی | ۱۲۴

فصل دوم: جنگ اقتصادی | ۱۲۵

● مرصه های تقابل | ۱۲۷

● ماهیت جنگ اقتصادی | ۱۳۱

● ابزار جنگ اقتصادی | ۱۳۱

● ابزارهای نرم | ۱۳۶

● رسانه ها | ۱۳۷

● مراکز علمی | ۱۳۹

● ابزارهای سخت و نیمه سخت | ۱۴۱

● اقدامات نظامی | ۱۴۱

● محاصره اقتصادی (تحریم) | ۱۴۱

● الف) تحریم ها از منظر نهاد وضع کنند | ۱۴۶

● ب) تحریم ها از منظر حوزه تحریم شده | ۱۴۹

● عوامل داخلی تشدید اثرات اقدامات خارجی دشمن | ۱۶۲

● مشکلات و نارسایی های ساختاری اقتصاد کشور | ۱۶۳

● فرهنگ و سبک زندگی نادرست اقتصادی آحاد مردم و مسئولان | ۱۶۴

● جمع بندی | ۱۶۶

فصل چهارم: مقابله با جنگ اقتصادی | ۱۶۹

● مقدمه | ۱۷۱

● ستاد اطلاعات، تبلیغات و اقدامات جنگ اقتصادی | ۱۷۲

● واقعیات و ظرفیت های داخلی اقتصاد کشور | ۱۷۵

● در حوزه نرم | ۱۷۵

قدرت گفتمان انقلاب اسلامی| ۱۷۵

ولایت فقیه| ۱۷۶

مردم| ۱۷۷

تجربه تاریخی ملت ایران| ۱۸۰

در حوزه سخت| ۱۸۱

منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی| ۱۸۲

معادن| ۱۸۲

کشاورزی| ۱۸۵

نفت و گاز| ۱۹۰

تنوع علمی| ۱۹۱

وضعیت راهبردی| ۱۹۵

ساختار| ۱۹۵

زیرساخت‌های سخت| ۱۹۶

زیرساخت‌های نرم| ۲۰۸

❁ واقعیات و نقاط ضعف اقتصادی کشور| ۲۱۳

دلار؛ پول جهانی| ۲۱۹

منابع اولیه و انرژی| ۲۲۰

نیروی کار| ۲۲۱

بازارهای مصرفی| ۲۲۲

❁ انجام اقدامات و ابزارها| ۲۲۳

رسانه| ۲۲۴

مراکز علمی و نخبگانی| ۲۲۶

در حوزه سخت| ۲۲۸

اقدامات اولیه| ۲۲۸

الف) معضلات اصلی| ۲۲۹

ب) معضلات فرعی| ۲۳۸

اقدامات ثانویه| ۲۳۹

❁ جمع بندی| ۲۴۷

سخن آخر| ۲۴۹

کتاب نامه| ۲۵۷

مقدمه ناشر

انقلاب اسلامی ایران، در شرایط تاریخی خاصی پیروز شد که جهان غرب، با محوریت آمریکا، به شدت در حال بسط قدرت و سیطره خود بر تمام نقاط جهان بود. تنها در یک دهه از وقوع انقلاب اسلامی گذشته بود که اتحاد جماهیر شوروی نیز از هم پاشید و این روپاشی موجب شد تا برخی از اصحاب نظر چنین بیندیشند که ایده «پایان تاریخ» با مسیحیت و اسلام، جهت غرب، صورت تاریخی یافته است.

در چنین شرایطی، «اب اسرمی» رخ داد؛ انقلابی که شعار «نه شرقی، نه غربی» سر می داد و پرچم دار اندیشه «وَسَيُخْلِقُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» بود.

دین اسلام به عنوان پشتوانه نظر، اندکاب اسلامی بر دو نکته پافشاری می کرد: اول نفی و طرد هرگونه سلطه غیرالهی و به تبع رد شرایط تاریخی کنونی، نفی سیطره جهان غرب و دیگری بسط اندیشه توحید به عنوان تفکک بدون مرز و جهان شمول.

این اندیشه - که در شعار «لا اله الا الله» تبلور تام یافته است - آشکارا با ماهیت هژمونی تفکر غربی در تقابل بود. انقلاب اسلامی نه تنها سلطه غرب را می زد برفت، بلکه در صدد درهم شکستن سیطره و سلطنت آن بود و می کوشید اندیشه توحید را در سراسر جهان بگستراند.

نکته مهم دیگری که در اندیشه اسلامی وجود دارد، دعوت به معنویت و نرسیدن به متعالی در برابر انسان است. انقلاب اسلامی مردم را به نفی سلطه طواغیت و ویران کردن کاخ های جباران تاریخ فرامی خواند؛ اما آگاهان از خود می پرسیدند که حتی اگر چنین امری محقق شود، بریناهای ویران ظلم و ستم، چه چیزی برافراشته خواهد شد؟ کاخ هایی دیگر؟ و یا حتی مدینه ای که در آن همگان از مواهب دنیایی استفاده خواهند کرد؟

در پاسخ به این سؤال - که عمق و تعالی غایت یک اندیشه را نشان می دهد - اسلام بیان می کرد زندگی عادلانه دنیایی و استفاده از مواهب این جهانی، مقدمه ای است

برای گذشتن به عوالم معنا و اوج‌گیری در افق معنویت. همین نکته اندیشه اسلامی را در مقایسه با اندیشه مارکسیستی بسیار جذاب‌تر می‌کند و البته برای جهان غرب به مراتب خطرناک‌تر.

بدین ترتیب، چندان عجیب نیست که دنیای غربی در مقابل اندیشه انقلاب اسلامی کمر به مبارزه‌ای همه‌جانبه ببندد و سعی در نابودی و اضمحلال آن داشته باشد. مبارزه نیز ساحات مختلفی دارد و یکی از آن‌ها، ساخت «اقتصاد» است. مبارزه اقتصادی گسترده علیه جمهوری اسلامی ایران در جهت تضعیف پای‌بندی مردم به این اندیشه است و ضرورت پرداختن به مسئله جنگ اقتصادی و ابعاد و جوانب آن، از همین‌جا نشئت می‌گیرد.

پژوهش حاضر با عنوان «جنگ اقتصادی» - که توسط نویسندگان محترم، آقای «مجتبی حسی» و «لی‌رضا تاجه‌بند» به نگارش درآمده، درصدد بررسی و تحلیل ابعاد و زوایای مسئله جنگ اقتصادی است. در این کتاب، مفهوم جنگ اقتصادی در چارچوب نظری خاص رارگشته و معنایی ویژه یافته‌است؛ به نقاط ضعف و قوت اقتصاد داخلی در مقابل تحریمات تحریریه‌های اقتصادی غرب پرداخته شده و حتی بررسی ضعف‌های اقتصاد غربی نیز مدنظر بوده‌است.

این کتاب که از آثار مکتوب معاونت علمی، مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) است و به زیور طبع آراسته گشته، اگرچه از دیگران فعالیت‌های این مرکز در راستای تحول علوم انسانی را منعکس می‌سازد، اما باز در تلاش است با انتشار آثار متناسب با مخاطبان حوزه‌ی و دانشگاهی، به ویژه دانشجویان حوزه مباحث علوم انسانی، علوم اجتماعی و فرهنگی، اعم از نظری و کاربردی، گامی در راستای اعتلای اندیشه ناب اسلامی بردارد و در این راستا از دیدگاه‌های مخاطبان اثر سود درباره این اثر و نیز پیشنهادهای سازنده درباره موضوعات یادشده به گرمی استقبال می‌نماید.

امید است پژوهش حاضر در کنار سایر پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، مقدمه عمل و قیام به اصلاح وضع اقتصادی موجود باشد و گره فروبسته‌ای را بگشاید و مقبول نظر امام عصر (عج) واقع شود.

والحمد لله أولاً و آخراً

معاونت علمی

مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه استاد

انسان در آینه آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین موجودی است که دو بعد جسمانی و روحانی دارد و بعد جسمانی انسان براساس غرایز حیوانی و نفسانی تشکیل شده است. خداوند و معصومین در آیات قرآن و در روایات، ویژگی‌هایی نظیر غلبه عقل، متکبر، حریص و ناسپاس و... را با در نظر گرفتن این بخش از وجود انسان به آن نسبت داده‌اند. این انسان در کنار بعد جسمانی و حیوانی وجود خود، بخش وجه دیگر را عنوان بعد روحانی دارد که متشکل از روح الهی است و خداوند این بیان را در آیه سوره حجر ۲۹ می‌فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» پس هنگامی که او را متعادل ساختم، در آن از روح خود دمیدم. این بخش از وجود انسان، به دلیل اتصال به منبع کمال حقیقی، سرشار از لطف، رحمت، لطافت و... می‌باشد.

نقش و اثر انسان‌ها در عالم به این بستگی دارد که یک انسان به کدام بخش از ابعاد وجودی یادشده توجه داشته باشد و آن را به فعلیت برساند. این بستگی به نیت، انگیزه و اهداف او دارد. لذا اگر به این انسان از بعد حیوانی نگاه بشود، انسانی تعرض‌کننده به حق دیگران، ستم‌کار، درنده و جاهل و به تعبیر آیه قرآن، «أَوَلَيْكَ كَالِ الْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» از حیوان پست‌تر جلوه می‌کند، اما اگر به او از دریچه بعد روحانی‌اش نگاه شود، می‌تواند براساس آیه «قَالَ رَبِّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»، تا مقام خلیفه‌اللهی پیش برود.

حال اگر این روح الهی که منشأ کمالات است از انسان انتزاع گردد و غرایز حیوانی بر او غالب شوند، در این دنیا که براساس آیات و روایات محل مزاحم

است، قطعاً بین او و دیگر انسان‌ها، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، نزاع و جنگ رخ خواهد داد. حال، وقتی به این امر نزاع و به بیان بهتر، حیوانیت، مبنای نظری و زیرساخت معرفتی داده شود و در عالم به امری پذیرفته شده و رایج تبدیل گردد، طبعاً تعریف جدیدی از حق هویدا می‌گردد؛ بدین مضمون که حق، کسی است که قوی‌تر باشد. در این تعریف، حق، به قلدری و دیکتاتوری اطلاق می‌شود و به عبارت دیگر، ظالم می‌شود معیار حق و این یعنی هرچه ظالم‌تر باشی، از حقوق بیشتری برخوردار هستی و این دقیقاً می‌شود تعریف اصلی نظام سلطه.

این نزاع در عالم، ابعاد مختلف و گسترده‌ای دارد، ولی شاید بتوان گفت که معیارین حوزه این نزاع، ریشه اقتصادی داشته و در حوزه معیشت اتفاق می‌افتد. این نزاع بارها به اقتصاد را می‌توان نزاع بر معیشت، جنگ معیشت و یا همان تنازع بقا نامید. حوزه این جنگ که اساسش بر بقای حیوانی و تجلی بیشتر غرایز مادی است - چیز - وقوع تنازعات بیشتر در این حوزه نیست.

راه حل چیرگی بر این نزاع اساساً - پیروزی نهایی جریان حق بر باطل در جنگ اقتصادی، بیدار شدن روحیه عدالت خواهی در میان آحاد مردم یک جامعه است. به بیانی دیگر، این نزاع وقتی پایان می‌یابد که روح الهی - که مستجمع تمام صفات و اسماء اوست - در انسان تجلی یابد و این در فقط از طریق عدالت خواهی محقق می‌شود. عدالت خواهی صرفاً در مقام شعار نیست، بلکه باید عدالت خواهی را در لایه‌های تمدنی جامعه وارد کرد. پس در این رابطه باید در زبان تمدن‌سازی، در سه حوزه ورود جدی و اساسی داشته باشیم و اگر از آن‌ها غافل باشیم، در این نبرد حق و باطل که بدان اشاره شد، همیشه باطل پیروز خواهد بود.

یکی از این حوزه‌ها، حوزه معرفتی، دانشی و اندیشه‌ای است. در طول تاریخ بارها مشاهده شده که هرگاه جریان حق از این حوزه غفلت ورزیده و آن را در اختیار جریان باطل قرار داده، لطمات سنگین و جبران‌ناپذیری متحمل شده است، اما برعکس، هرگاه این حوزه در اختیار پیروان جریان حق بوده، شکوفایی و رشد در حوزه‌های مختلف را نیز به همراه داشته است.

حوزه دیگر که به نظر بنده در قرن ۱۹ و ۲۰ و یا حتی پس از انقلاب صنعتی وارد لایه‌های تمدنی جوامع مختلف گشته، حوزه روش‌شناسی است. این حوزه در ضمن دارا بودن ابعاد معرفتی، دارای ابعاد منطقی به معنای شیوه‌های مختلف زندگی نیز می‌باشد. این مسائل در این حوزه از طرق مختلف، به صورت مدل‌هایی عینی و رفتاری ظاهر شده است. غربی‌ها در حوزه پیاده‌سازی و تطبیق منطقی خیلی خوب و منسجم فکر کرده‌اند و به نتایجی هم دست یافته‌اند، اما تکامل این امر این‌ها را به شدت ضعیف است. این گروه با وجود این که در بحث‌های اسلامی به نکات، مطالب خوبی دست یافته‌اند، اما نمی‌توانند آن‌ها را در واقعیت تبیین و پیاده‌سازی کنند و علت آن هم چیزی جز ضعف در حوزه روش‌شناسی نیست.

حوزه آخر از مجرای حوزه موجود در جریان تمدن‌سازی، حوزه‌های مسئله‌شناسی و موضوع‌شناسی است. مردم ورود به این حوزه، فقدان دستگاه تحلیلی برای موضوع‌شناسی و مردم‌رانی در شناخت پیچیده مسائل، باعث می‌شود که فرد در حوزه بصیرت مردم‌شناخت عینی در موضوعات کلان جهانی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی ... به ضعف‌های عدیده‌ای از جمله سطحی‌نگری، جزئی‌نگری و فقدان عمق و تحلیل‌های چهارگردد و این مسئله خیلی خطرناک است. این که غربی‌ها در مسائل مردم‌شناسی گسترده جهانی می‌توانند برای افراد مختلف با شرایط متفاوت، مصداق‌سازی کنند موضوعات را به دل‌خواه خود برای آن‌ها تفسیر نمایند و نهایتاً آن‌ها را به زانو درآورند. زان‌ها واقعیت خبر می‌دهد که آنان به این حوزه ورود جدی داشته و مسائل آن را به خود و بادقت فرا گرفته‌اند.

حال با توجه به مطالب فوق و ضرورت احیای امر عدالت‌خواهی در میان آحاد مردم، باید عدالت را در حوزه‌های یادشده (معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و موضوع‌شناسی) وارد کرد؛ یعنی باید لایه‌های تمدنی را به گونه‌ای سامان داد که خروجی آن قیام به قسط باشد. به عبارت دیگر، هدف کلان و غایی، عدالت‌خواهی

و ضرورت حرکت به سمت آن است و تفکر مبتنی بر عدالت باید در تمام حوزه‌ها شکل بگیرد. در نهایت، مجموع عوامل فوق، تمدنی را شکل می‌دهد که به وسیله آن می‌توان بشریت و جهان را به سمت عدالتی هدایت کرد که از دست رفته و هدف نهایی خلقت را محقق کرد.

با تحقق شرایط فوق، دیگر جنگی وجود نخواهد داشت و این یعنی دنیایی که اساساً و ذاتاً محل نزاع، مزاحم، فساد و خون‌ریزی بود، توسط موجودی به نام انسان الهی، با تمام ویژگی‌های ظالماً جهولاً، طمع و فرهنگ استعلا و ... به محل رحمت و عدالت تبدیل می‌شود. این نتیجه شگرف را می‌توان بزرگ‌ترین راز می‌توان معجزه انسان و تاریخ دانست و پس از آن می‌توان درک کرد که چرا خداوند در پاسخ به سؤال ملائکه که بیان داشتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟» این عبارت را می‌فرماید که «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ».

در صفحات گذشته بیان شد که عدالت امری شعاری نیست، بلکه امری اقامه‌ای است؛ یعنی خودبه‌خود اتفاق نمی‌افتد و باید برای محقق شدن آن قیام کرد. تحقق این قیام بدون مقاومت محال است؛ از این رو در جنگ اقتصادی برای مقابله با اقدامات دشمن و تحقق اهداف اصلی جامعه - که عبارت است از احیاء و اقامه عدالت در تمام سطوح جامعه - به ویژه حوزه‌های اقتصادی - نیاز به الگویی مقاومت‌محور احساس می‌شود تا بتواند این اهداف را به‌طور کامل محقق نماید.

رهبر معظم انقلاب با درک صحیحی از این مسائل، الگویی جدید و مقاومتی را با عنوان «الگوی اقتصاد مقاومتی»، برای رفع تنازعات موجود در حوزه اقتصاد کشور معرفی کرده‌اند. این الگو با توجه به بیانات ایشان در ذیل سیاست‌های ابلاغی در این باره، الگویی الهام‌بخش از مکتب اقتصادی اسلامی است. این الگو به همراه سیاست‌های ابلاغ شده از طرف رهبر معظم انقلاب، می‌تواند به عنوان یک راهبرد کلان، عظیم و ارزش‌مند در حوزه اقتصادی، کشور را به سمت یک اقتصاد پویا، درون‌زا و برون‌نگر - که حرف بدیعی را در عرصه اقتصاد به همراه

دارد و می‌خواهد نظم جهانی را به هم بریزد و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آن را به سمت عدالت، انسانیت، انصاف و... جهت بدهد- هدایت می‌کند.

اصلی‌ترین راه‌کار در این الگو برای بهبود وضعیت نظام اقتصادی کشور، در هر شرایطی به‌ویژه شرایط فعلی اقتصاد کشور که درگیر یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار است- همان‌طور که در متن این سیاست‌ها به‌وضوح دیده می‌شود- توجه به ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های داخلی کشور، اعم از سرمایه‌های انسانی، طبیعی و... می‌باش. بنابراین مسئولان کشور و احاد مردم باید به یاری خداوند و با همت و تلاشی، معاف، این راهبرد ارزشمند، دقیق و شدنی را برای خروج کشور از این وضعیت ناسازگار به‌کار گیرند.

این کتاب پیش از این تلاش است در این جهت تا بتواند ریشه‌های این جنگ در حوزه اقتصادی را با یکری بنایی، معرفتی و تمدنی تبیین نماید و ابعاد این جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه کشور را در حوزه‌های مختلف و راه‌های مقابله با آن‌ها را به خوانندگان محترم معرفی نماید. بشناساند.

سید مهدی زریباف^۱

اسفند ۱۳۹۴

۱. دکتری اقتصاد اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، استاد اقتصاد و رئیس مؤسسه پژوهشی مبانی و مدل‌های اقتصادی بومی و متخصص و نظریه پرداز در حوزه مباحث روش‌شناسی و عدالت.